



و ما را از رده خارج کنند. خیلی هایمان از شنیدن این حرف پنجر کردیم!

#### یکشنبه:

از دیروز و شنیدن این خبر؛ موتور همه مان داشت می لرزید. بخاری خیلی ها دیگر هنگ کرده و ته پاکشان خالی شده بود. همه فکر می کردیم که با از رده خارج شدن تکلیف رینگ و زاپاس هایمان چه می شود. همین که در گاراژ باز شد و نور به سمت ما انداخته شد کاپوت جلو عقبمان لرزید. یکی را از میان ما بردند. هرچه او زوزه کشید و چراغ خطر روشن کرد رحم نکردند و عجیب اینکه بعد از ظهر با شکل و شمایل جدیدی او را آوردند!

#### دوشنبه:

پراید بیچاره را به عمل جراحی برده و اعضایش را به یک وانت پیوند زده بودند! اسمش وانت پراید شده بود. یک عده رویشان آفتابگیر زدند که کسی آنها را نبیند و برای عمل پیوند نبرد. من که دیگر کامل باطری خالی کرده بودم. زمزمه بود که قرار است از ما پرایدگوپتر و پرایدگرد و پرایدلی و پرایدموتور هم بسازند! تمام پیچ و مهره هایمان از ترس آب شده بود!

#### سه شنبه:

امروز یک آقای که پرایدهای برو بیج می گفتند آقای مدیر است تمام روز کنار ما بود. احساس ناامنی می کردیم. زل زده بودیم به پلاک و سپر و کلاچ ترمزهایمان! یکی از پرایدها عصبانی بود و می خواست به او بگوید که مگر خودش کلاچ ترمز ندارد که به ما زل زده و می خواست با بی احتیاطی و عدم توجه به جلو مدیر را زیر بگیرد که ما گفتیم بیش از این نام پراید را لکه دار نکن و سرجایت بمان! مدیر کل روز به ما زل زد و آخر هم بوق من را دست زد و رفت!

#### چهارشنبه:

امروز تعداد زیادی تیبیا هم به گاراژ منتقل کردند! تیبیایها کمی کنار ما احساس غریبی می کردند. ما که دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتیم. نمی دانستیم می خواهند چه کار کنند. خیلی وقت بود حتی یک قطره گاز و بنزین هم به ما نرسانده بودند! داشتیم از بی تصادفی هلاک می شدیم. تیم ملی تیبیا داشت ما را مسخره می کرد که یکی از پرایدها با یکی از تیبیها سپر به سپر شد و آخر هر دو یاتاقان سوزانند و دعوا فیصله پیدا کرد.

#### پنجشنبه:

امروز یک عده وارد گاراژ شدند و رفتارهای عجیب و غریبی با ما کردند. یک نفر قفل فرمان من را باز کرد و آورد جلوی جمع! شنیدیم بچه ها می گفتند ممکن است ما را به قیل از خارج کردن از رده به علت قتل دادگاهی کنند. دنده هایم درد گرفته و نفسم در آگروز حبس شده بود. دیسک ترمزم دوباره عود کرد. فکر می کنم چندتا فیلتر سوزاندام تا فهمیدم جریان چیست!

#### جمعه:

باز هم یک سخنرانی بلندبالا! دیگر باکمان از این سخنرانیها پر شده اما این سخنرانی از آن سخنرانیها نبود. همان مدیری که به بوقم دست زده بود حالا از خوشحالی خودش بوق بوق می کرد. انگار قیمت جدیدی برای ما کشف کرده بود! ما را بگو فکر می کردیم در گاراژ گذاشته اند از رده خارج کنند نگو می خواستند قدر و ارزشمان را بالا ببرند. ما را چنان روی سرو دستشان از گاراژ بیرون بردند که تیبیها انگشت به فرمان مانده بودند! اسپرهایمان را با همان تیبیایی عوض کردند و به قیمت و سپر و سقف و صفحه هایمان دستی کشیدند و گفتند که حالا ۸۰ سال دیگر فرصت هست برای از رده خارج شدن! اینها را از رده که خارج نمی کنیم تازه به شکل جدیدتری رده بندی می کنیم! ۱۴۱... ۱۴۲... ۱۴۳... ۱۴۴... ۱۴۸...

#### شنبه هفته بعد:

پراید، پایدار می ماند...

## فرهنگ اصطلاحات سریال سازی طنز تلویزیون



#### بودجه سریال سازی:

خشت اول / قرص اکس سریال سازی / آداپتوری برای شارژ چندماهه عوامل / پول بی زبان / یار مهربان / اول بودجه بود یا اول موضوع سریال؟ / تا بودجه هست بازی باید کرد! / کنترل از راه دور / ترمز خودروی سریال سازی / نان زیر کباب

#### بازیگر درجه چند طنز:

سوء تفاهم بازیگری / سوپرستار فقیرفقر / وسیله به دام انداختن تله ویزیون! / وصله ناجور / به کار آمدی استفاده همان سینوس کسینوس در زندگی است / گل یخ

#### مهران رجبی:

مولتی ویتامین سریال / نجات غریق / آتش کشک خاله / ادویه کاری / چرخ دنده / اسپرین

#### متن سریال:

باد هوا / سیاهچاله فضایی / ستاره سهیل / افسانه هزار و یک شب / گشتم نبود نگرد نیست / گاهی در تخم مرغ شانسی پیدا می شود در سریال نه!

#### شماره نظرسنجی سریال:

کمک راننده بودجه / دلخوش کنک / مادر عروس / تو نیکی می کن و در دجله انداز... / ادمین بیننده: رفته است که گل بچیند!

#### خنده: تلویزیون removed خنده

#### کل سریال: همین الان یهوئی!!

## نمونه سوالات کنکور رشته گردشگری عمومی!

### ۱- گردشگر اصولاً باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

- الف- پولش از پارو بالا برود.
- ب- وقتش را از سر راه آورده باشد.
- ج- پول و وقتش را از سر راه آورده باشد.
- د- کسی که در و دیوار و جوب و چوب را هم به شکل میراث فرهنگی می بیند.

### ۲- چگونه می توانیم از منطقه گردشگری کسب درآمد کنیم؟

- الف- با ورودی های از خون گذشته
- ب- با دستفروشی و عکسهای تاریخی و خاکشیر و شیرموز
- ج- با ساختن منطقه گردشگری در صدها کیلومتر دورتر از شهر
- د- با ساختن منطقه گردشگری در منطقه گردشگری

### ۳- بهترین زمان مرمت آثار تخریب شده فرهنگی چه زمانی است؟

- الف- یک روز بعد از ظهر.
- ب- وقتی همه خواب باشند.
- ج- چرا اصلاً باید به دادشان رسید؟
- د- زمان خودش همه چیز را درست می کند.

### ۴- وقتی یک گردشگر خارجی وارد میراث فرهنگی می شود اولین چیزی که

جذبش می کند چیست؟

## دفتر خاطرات جناب پراید!!

#### شنبه:

امروز صبح زود که چراغهایمان به زور باز می شد و آگروزهایمان هنوز خرخر می کردند همه مان را صف کردند و سخنرانی بالا بلندی استارت خورد و و ضمن تقدیر و تشکر و قدردانی از خیلی ها در نهایت در گوش آینه بغلهایمان فرو کردند که قرار است تعدیل نیرو داشته باشند

